

دوره‌ی راهنمایی بی‌مسما و بی‌نشان!

پای صحبت دکتر علی اصغر احمدی
مسئول کمیته‌ی ساختار تدوین برنامه‌ی درسی ملی

گفت‌وگو: نصرالله دادار

○ آیا بین «برنامه‌ی درسی ملی» با «سند ملی آموزش و پرورش» تفاوتی وجود دارد؟

● برنامه‌ی درسی ملی در حقیقت یک برنامه است؛ برنامه‌ای که ما به آن احتیاج داریم. برنامه‌ای که یاددهی - یادگیری، یعنی مهم‌ترین هدف ما در آموزش و پرورش را در بردارد. اما سند ملی آموزش و پرورش یادآور تلاش‌های گوناگونی است که در زمینه‌ی تغییر نظام، پیوسته در آموزش و پرورش انجام شده و به نتیجه‌ی مطلوب نائل نشده است. مثلاً تغییر نظامی که در زمان آقای اکرمی شروع شد، بسیار ناقص و نامنسجم به اجرا درآمد. از نظر من، برنامه‌ی سند ملی در ادامه‌ی همین موضوع است که تاکنون نتیجه‌ای در بر نداشته است.

○ مهم‌ترین نقدی که بر وضع موجود دوره‌ی راهنمایی دارید، چیست؟

● سؤال شما در راستای کاری است که ما در «کمیته‌ی ساختار» انجام می‌دهیم. شورای تدوین برنامه‌ی درسی ملی از چند کمیته تشکیل می‌شود که کمیته‌ی ساختار به مسئولیت بنده اداره می‌شود. در این کمیته، یکی از مسئولیت‌های ما، تعیین دوره‌هاست. درباره‌ی دوره‌های تحصیلی بحث‌های بسیاری شد. یکی از بحث‌ها در مورد دوره‌ی پیش‌دبستانی بود و این که باید جزو دوره‌های رسمی آموزش و پرورش باشد و در مصوبات ما هم آمده است. در مورد دوره‌ی متوسطه هم قائل به این بودیم که صحبت درباره‌ی تخصص در این دوره معنا ندارد. منظور از تخصص، رشته‌ی تحصیلی، مثلاً رشته‌ی ریاضی یا رشته‌ی انسانی است. اما پیشنهاد ما برای دوره‌ی راهنمایی این بود که عنوانی به نام راهنمایی نداشته باشیم، بلکه برای دبیرستان دو دوره‌ی متوسطه‌ی اول و دوم قائل شویم. این تغییر، یکی از پیشنهادهای مهم ما برای این دوره بود.



اشاره

عنوان «دوره‌ی راهنمایی»، بی‌مسما و بی‌نشان است. این جمله را دکتر علی اصغر احمدی، عضو برجسته‌ی «کمیته‌ی ساختار برنامه‌ی درسی ملی» گفت. حدود یک ساعت و اندی پای صحبت دکتر احمدی، استاد دانشگاه و متخصص روان‌شناسی عمومی نشستیم تا ایشان ضمن ارائه‌ی دیدگاه خود درباره‌ی دوره‌ی راهنمایی تحصیلی، جایگاه این دوره‌ی تحصیلی را در برنامه‌ی درسی ملی و تغییر و تحولاتی که بر اساس برنامه‌ی درسی ملی پیدا می‌کند، شرح دهد. وی گفت: «قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و زمانی که دوره‌ی راهنمایی تحصیلی تشکیل شد، هدف این بود که ضمن استعدادسنجی دانش‌آموزان، آن‌ها به رشته‌های خاصی هدایت شوند. ولی در طول سال‌های گذشته این هدف تحقق نیافت و ما در عمل هیچ‌گاه در هدایت تحصیلی دانش‌آموزان توفیقی نداشته‌ایم...»

متن کامل این گفت‌وگو را در ادامه تقدیم شما مخاطبان عزیز مجله‌ی «رشد آموزش راهنمایی تحصیلی» می‌کنیم.

○ در برنامه‌ی فعلی، زمان انتخاب رشته مشخص است؛ سال دوم دبیرستان. براساس برنامه‌ی درسی ملی، دانش‌آموزان در چه سالی و چگونه انتخاب رشته می‌کنند؟

● در برنامه‌ی درسی ملی هم‌چنین روندی وجود دارد. یعنی به مرور زمان بین دانش‌آموز تفکیک اتفاق می‌افتد. شخصیت‌های متفاوت شکل می‌گیرند و تمایز ایجاد می‌شود. این تمایز در روند عادی و طی دوره‌ی تحصیلی، بدون این که اسم آن را راهنمایی بگذاریم، تحقق پیدا می‌کند. برای مثال، دانش‌آموزی ریاضیات را بهتر درک می‌کند و یا دیگری به مسائل فیزیک علاقه‌مند است. این‌ها به خودی خود مشخص و در نمرات دانش‌آموز منعکس می‌شوند.

ما در این ساختار معتقدیم، دانش‌آموزان حتی به این مقدار تفکیک که بگوییم گروهی به رشته‌ی ریاضی و فیزیک و عده‌ای



زمانی که دوره‌ی راهنمایی تشکیل شد، منظور این بود که بچه‌ها در این دوره استعدادسنجی شوند، قابلیت‌هایشان مشخص شود و هویت اولیه پیدا کنند

ما دیپلم عمومی بود، نه دیپلم اختصاصی. دیپلم عمومی یعنی این که شخصی وارد رشته‌ی ریاضی می‌شود که نمره‌ی درس ریاضی خوبی دارد، اما در درس فیزیک ضعیف است؛ در حالی که فیزیک هم از دروس اصلی رشته‌ی ریاضی است. یا در درس ریاضی، دانش‌آموز ریاضی گسسته را به خوبی درک می‌کند، اما در هندسه ضعیف است. یعنی تفکیک‌ها این طور نیستند که الزاماً تمامی دانش‌آموزان را در پنج رشته - سه رشته‌ی نظری و دو رشته‌ی فنی و حرفه‌ای و کار دانش - قرار دهیم بلکه تفکیک بسیار زیادتر است.

بچه‌ها باید دروس مشترکی را بگذارند و گرایش‌هایی پیدا کنند، اما گرایش‌ها به تعداد پنج رشته محدود نشوند. اگر به این شکل باشد، فرد درمی‌یابد که علاقه‌اش را دنبال کرده، نه این که رشته‌ای به او تحمیل شده است.

○ در ساختار جدید، جایگاه دوره‌ی راهنمایی، دوره‌ی اول متوسطه است. این دوره چه ویژگی‌های دارد و در آن چه کارهایی انجام می‌شود؟ آیا تغییر مورد بحث شکلی و ظاهری نیست؟ آیا اهداف مشخصی دارد؟

● ببینید، عنوان راهنمایی معنا نداشت. وقتی از ما می‌پرسند چرا اسم این دوره راهنمایی است، دلیل قانع‌کننده‌ای نداشتیم و نداریم. نکته‌ی بعد این است که این دوره، به علاوه‌ی یک

○ دلیل پیشنهاد حذف عنوان راهنمایی و تبدیل آن به دوره‌ی متوسطه‌ی اول چه بود؟

● عنوان دوره‌ی راهنمایی بی‌مسماست. زمانی که دوره‌ی راهنمایی تشکیل شد، منظور این بود که بچه‌ها در این دوره استعدادسنجی شوند، قابلیت‌هایشان مشخص شود و هویت اولیه پیدا کنند. بر همین اساس هم به سمت رشته‌های خاصی هدایت شوند که مسیر زندگی‌شان را تا انتها مشخص کند. ما معتقدیم، چنین برنامه‌ای در سال‌های گذشته محقق نشده است و قابلیت‌های نوجوانان مخصوصاً در شرایط امروز، این اجازه را نمی‌دهد تا چنین برنامه‌ای صورت گیرد. ما معتقدیم، تعیین خط سیر زندگی، تحصیل و شغل نوجوان، تا زمان ورود به دانشگاه هم امکان‌پذیر نیست. یعنی اگر فردی در دوره‌ی رشته‌ی ریاضی را می‌خواند، به این معنا نیست که در همین زمینه قابلیت، استعداد و توانمندی دارد. بلکه ممکن است به سایر زمینه‌ها گرایش پیدا کند.

بحث «هویت‌یابی» که یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های دوره‌ی نوجوانی است، یعنی فرد باید بداند کیست، چیست، و کجا می‌رود، امروز به تأخیر افتاده است. بعضی می‌گویند دوره‌ی نوجوانی طولانی شده است و برخی نیز می‌گویند ویژگی‌های این دوره تا انتهای تحصیلات دانشگاهی استمرار پیدا کرده است. نوجوانی پل گذار از کودکی به بزرگسالی است. این پل در زندگی‌های ساده‌ی گذشته خیلی کوتاه مدت بود، اما الان طولانی مدت شده است.

یکی از ویژگی‌های دوره‌ی بزرگسالی، استقلال فردی است، اما استقلال بچه‌های ما، مخصوصاً آن‌هایی که خوب درس می‌خوانند، به تأخیر افتاده است. برای مثال، فردی درشش تمام شده و آزمون کنکور را هم داده، اما خانواده نگران است که مبادا اگر این فرزند وارد جامعه شود، مشکل برایش به وجود آید. یعنی خانواده اعتماد نمی‌کند که فرزندش ساعت ۱۰ شب به خانه برگردد. یعنی این نوجوان یا جوان را به قدر کافی مستقل نمی‌دانند.

خلاصه می‌توان گفت، به توجه به شرایط امروز، «هویت‌جویی» بین نوجوانان به تأخیر افتاده است. بر همین مبنا گفیم که دوره‌ی راهنمایی، بی‌نشان است. در سال ۱۳۴۶، رشته‌ی مشاوره که اولین دوره‌ی آن در دانش‌سرای عالی، یعنی دانشگاه تربیت معلم دایر شد، با دوره‌ی فوق لیسانس مشاوره آغاز شد.

تربیت فوق لیسانس مشاوره برای این بود که هدایت تحصیلی را سامان دهی کنند. اما رشته‌ی مشاوره، بعد از انقلاب اسلامی تعطیل شد. البته آموزش و پرورش دوباره آن را احیا کرد.

در حال حاضر انتخاب رشته به دوره‌ی دبیرستان مربوط است. سال اول را عمومی می‌خوانند و بعد از یک سال، یعنی در سال دوم دبیرستان، انتخاب رشته می‌کنند. یعنی ما نتوانستیم انتخاب رشته را در دوره‌ی راهنمایی انجام دهیم و به همین دلیل، آن را به دبیرستان آوردیم. پس ما در عمل هیچ‌گاه در کار هدایت تحصیلی دانش‌آموزان توفیقی نداشتیم و نام دوره‌ی راهنمایی با مسما نبود. به همین دلایل گفتیم که دبیرستان و دوره‌ی ما قبل آن پیوسته‌هایی داشته باشند.



در شرایط کنونی، همه‌ی دانش‌آموزان، چه دانش‌آموزی که خوب درس می‌خواند و چه برعکس، برای زندگی کردن آماده نیستند. مخصوصاً پسران که قربانیان این نظام هستند و به اشکال گوناگون آسیب می‌بینند. دامنه‌ی این مشکل به دختران نیز می‌رسد. پس ما بیشتر احتیاج داریم که آموزش عمومی را تقویت کنیم

سال دبیرستان را به عنوان دوره‌ی آموزش عمومی در نظر گرفته بودیم. آموزش عمومی رسالت اصلی وزارت آموزش و پرورش است. آموزش عمومی به این معناست که ما باید شهروندی مطلوب برای کشور تربیت کنیم، اما در این موفق نبودیم.

انتقادی که در سال‌های اخیر زیاد مطرح می‌شود این است که بچه‌ها درس می‌خوانند، ولی برای ورود به اجتماع آماده نیستند. ما معتقدیم که امروزه باید زمان خیلی زیادتری را صرف آن کنیم که بچه‌ها برای زندگی واقعی و اجتماعی آماده شوند. آن‌ها باید در حیطه‌ی اجتماعی، نحوه‌ی رفتار با دوست، نحوه‌ی رفتار با جامعه و یا خانواده را بیاموزند. در حال حاضر، از یک طرف رشته تعیین می‌کنیم و از طرف دیگر بچه‌ها برای زندگی واقعی تربیت نمی‌شوند.

ما طبق مصوبه‌ی خودمان، دوره‌ی آموزش عمومی را شش سال ابتدایی، سه سال متوسطه‌ی اول و دو سال دبیرستان در نظر گرفتیم که جمعاً ۱۱ سال می‌شود. اما به این نتیجه رسیدیم که آموزش عمومی امروز باید خیلی طولانی‌تر باشد. به خصوص با توجه به رشد فناوری، پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعی و مسائلی از این قبیل، به زمان بیشتری نیاز داریم. در شرایط کنونی، همه‌ی دانش‌آموزان، چه دانش‌آموزی که خوب درس می‌خواند و چه برعکس، برای زندگی کردن آماده نیستند. مخصوصاً پسران که قربانیان این نظام هستند و به اشکال گوناگون آسیب می‌بینند. دامنه‌ی این مشکل به دختران نیز می‌رسد. پس ما بیشتر احتیاج داریم که آموزش عمومی را تقویت کنیم، نه این که دانش‌آموز را از دوره‌ی ابتدایی برای دانشگاه آماده کنیم. در اصل، رسالت آموزش و پرورش آماده کردن فرد برای زندگی از یک‌سو و بعد آماده کردن ماده‌ی خام برای دستگاه‌هایی است که می‌خواهند نیرو تربیت کنند.

○ آیا مسئولیت معلمان دوره‌ی راهنمایی با برنامه‌ی درسی ملی تغییر می‌کند؟

● اگر این برنامه عملیاتی شود، بله. اما این برنامه به این سرعت و به این سادگی عملیاتی نمی‌شود. لازم به ذکر است، کمیته‌ی ما در مورد ساختار موجود قرار است جلسه تشکیل دهد و نظر نهایی را بیان کند. یعنی از نظر کمیته‌ی تدوین، کار به انتها نرسیده است.

○ در صورت عملیاتی شدن برنامه و یا نظام جدید، چه تغییراتی در برنامه‌ی درسی و محتوای دوره‌ی راهنمایی انجام می‌شود؟

● بیشترین تغییرات متوجه دروس و در جهت تطابق افراد با زندگی واقعی‌شان خواهد بود. یعنی به جای این که دانش‌آموزان فقط در فضای مدرسه‌ای درس بخوانند، در فضاهایی گسترده قرار می‌گیرند. حتی ممکن است برنامه یا اردویی باشد که پدر و مادرها بتوانند در آن شرکت کنند. الان در مسائل مذهبی، آموزش‌های ما بریده از مسائل مذهبی جامعه است و به تغییراتی نیاز دارد.

○ بخش ساختار اثراتی روی سایر بخش‌ها دارد. فکر می‌کنید معلمان دوره‌ی راهنمایی چگونه باید برای برنامه‌ی جدید آمادگی و آگاهی پیدا کنند؟

● این دوره‌ها افراد را برای زندگی واقعی آماده می‌کنند، پس معلم باید آموزش‌هایی در این جهت ببیند. امروزه بچه‌ها در برخی بخش‌ها، جلوتر از معلمان حرکت می‌کنند. مثلاً، اگر معلم بخواهد برای زمان آینده خودش را آماده کند، قطعاً می‌باید ارتباط بسیار تنگاتنگی با فناوری‌های جدید داشته باشد؛ حتی با استفاده از ابزارهایی به ظاهر ساده. الان بچه‌ها با سن کم، به راحتی استفاده از این ابزارها را کشف می‌کنند، اما معلمان دیرتر به آن پی می‌برند. معلمان به زمان خاصی برای کار کردن با فناوری‌های جدید احتیاج دارند. معلم آینده می‌باید در زمینه‌ی سازگاری‌های دانش‌آموز با خانواده‌اش، تشکیل خانواده و... اطلاعاتی داشته باشد. معلم آینده باید با فضاهای مجازی مثل اینترنت آشنا باشد.

○ اشاره کردید، عنوان برخی دروس تغییر می‌کند. این تغییر شامل چه دروسی می‌شود؟

● به طور مثال، مهارت‌های زندگی به عنوان درس اصلی در نظر گرفته می‌شود. خلاقیت، پدیده‌ای است که در آینده، زیادتر از امروز به آن احتیاج داریم. خلاقیت در کتاب‌های درسی بسیار ضعیف مطرح شده است. امروزه ما دادن اطلاعات به بچه‌ها را خیانت می‌دانیم، چون مشکل ما اطلاعات نیست. مثلاً برای دانستن مباحث تخصصی دینی و مذهبی، متخصصان دین ما باید پاسخ دهند معلم آینده نمی‌تواند انتقال‌دهنده‌ی اطلاعات باشد، بلکه باید فنی را به دانش‌آموزان آموزش دهد تا از اطلاعات به خوبی استفاده کنند یا یاد بگیرند چگونه و از کجا اطلاعات کسب کنند.